



دانشگاه باقر العلوم (عَلَيْهِ السَّلَامُ)  
دانشکده: اخلاق و معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
رشته: مدرسی معارف اسلامی، گرایش مبانی نظری اسلام

عنوان:

# امکان و حدود شناخت خدا در قرآن و نهج البلاغه

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین دکتر یوسفی

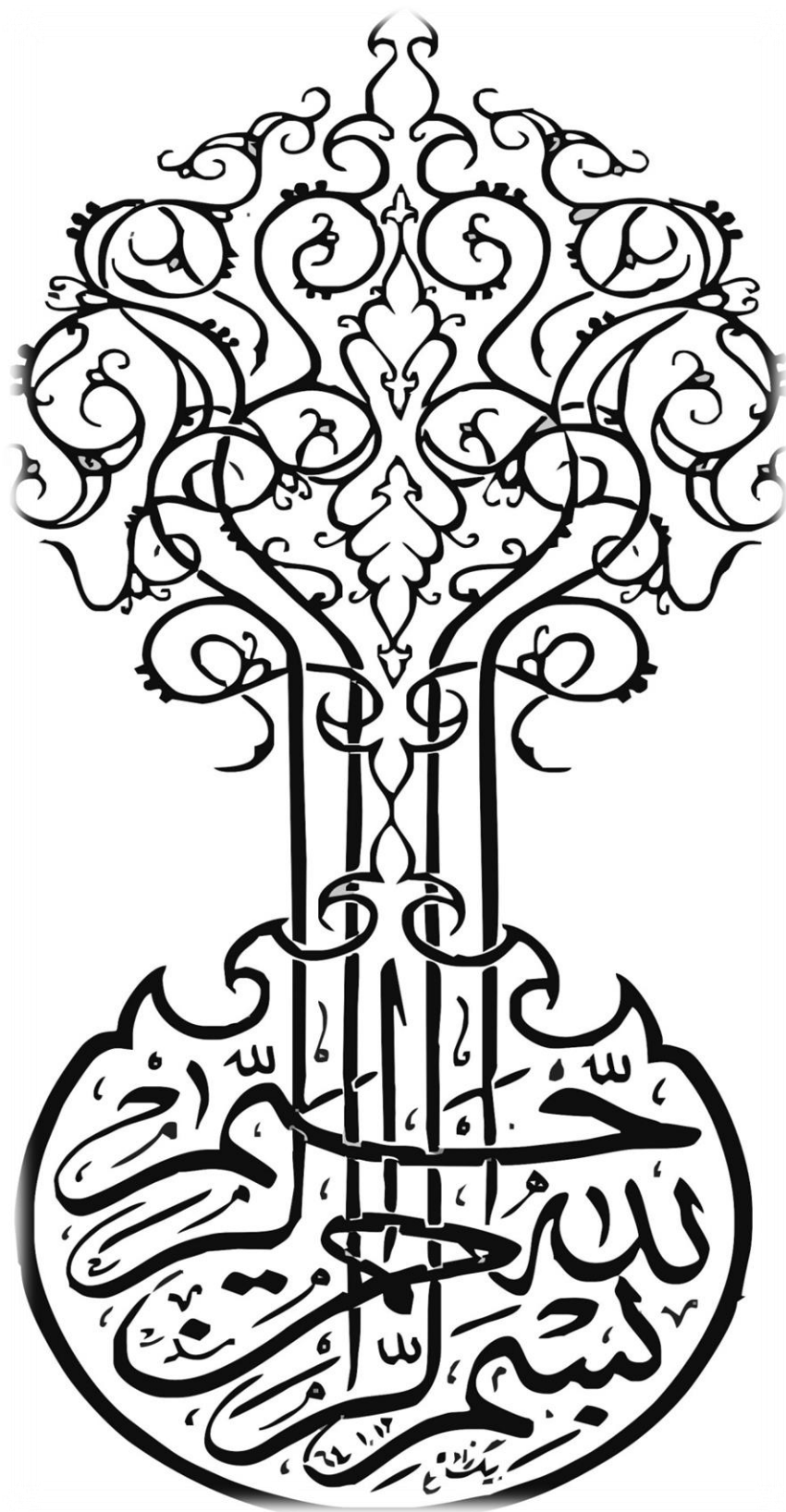
استاد مشاور:

حجة الاسلام و المسلمین دکتر موسوی

نگارش:

یاسر سلطانی

تأبستان 1395



## تقدیم

بار پروردگارا از تو می‌خواهم که بهترین درودها و خالصانه‌ترین سلام‌هایت را به پیشگاه مقدّس و نورانی پیامبر مهر و رحمت، حضرت ختمی مرتبت، محمّد بن عبدالله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) هدیه فرمایی و عالی‌ترین، کامل‌ترین، بهترین و فراوان‌ترین برکت‌ها و بهره‌هایت را برای خاندان و جانشینان هدایت یافته‌اش (عَلَيْهِمُ السَّلَام) قرار دهی.

این هدیه‌ی خالصانه، را به قطب عالم امکان و عصاره‌ی خلقت، بقیه الله الأعظم، حضرت حجّه بن الحسن العسکری (رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِسُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ وَ عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ) تقدیم می‌کنم و با توسل به آن حضرت - که در بالاترین مراتب شناخت خدا سیر می‌کند - از وجود نازنین‌اش می‌خواهم، که از دریای بی‌کران معرفت حضرت حق، جان‌های تشنه‌ی ما را نیز سیراب نماید.

پروردگارا دل‌های ما را در طریق بندگی با انوار تابان هدایات منور ساز؛ با دیده لطفت به ما بنگر؛ زندگی ما را با اخلاص، معنویت و معرفت توأم ساز و در نهایت به جایگاه صدق در نزد خودت که کامل‌ترین خوشبختی‌ها و والاترین درجات است برسان. [آمین یا ربّ العالمین.]

## تقدیر و شکر

نظر به این‌که قدردانی و شکر از بندگان شایسته و نیکوکار بنا به روایت حضرت امام رضا (عَلَيْهِ السَّلَام) در راستای شکر خداوند مَنّان است؛<sup>1</sup> بدین وسیله از کلیه‌ی کسانی که در تألیف و تدوین این پایان‌نامه، همکاری نمودند به ویژه از استاد راهنما آقای دکتر یوسفی و هم‌چنین از استاد مشاور، آقای دکتر موسوی کمال سپاس را دارم. هم‌چنین از زحمات مسئولین و اساتید محترم دانشگاه باقرالعلوم (عَلَيْهِ السَّلَام)، سپاس گزارم. انشاءالله خداوند به همه‌ی ایشان جزای خیر مرحمت بفرماید.

در پایان، بر خودم لازم می‌دانم از زحمات بی‌شائبه‌ی پدر، مادر و همسر که دعای خیرشان همیشه یاور من بوده و موفقیت‌هایم در تمام مراحل زندگی را مدیون ایشان هستم؛ خالصانه شکر و قدردانی نمایم. [شَكَرَ اللَّهُ مَسَاعِيَهُمْ].

---

1. «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ» یعنی: «هر کس از صاحبان نعمت در میان بندگان، شکر نکند، شکرگزاری خدای عزوجل را به جا نیاورده است.» (ابن بابویه، محمد ابن علی، عیون اخبار الرضا (عَلَيْهِ السَّلَام)، ج 2، ص 24).

## چکیده

آیات قرآن و کلمات نهج البلاغه در باب امکان و حدود شناخت خدا دو دسته‌اند؛ دسته‌ای که می‌گویند: شناخت خداوند برای انسان میسر نیست و دست ادراکات بشری از دامن کبریایی او کوتاه است. دسته‌ی دیگر در نقطه‌ی کاملاً مقابل، می‌گویند: حتی می‌توان خدا را دید و به لقاء او رسید. لذا باید بین این دو دسته که تعارض‌نما هستند، چنین جمع کرد: انسان از قوای متعدد شناختی، برای دستیابی به انواع شناخت اعم از: شناخت‌های حصولی (حسی، وهمی، خیالی و عقلی)، و شناخت‌های حضوری (فطری و شهودی) بهره‌مند است؛ در مورد شناخت خدا، باید قائل به تفکیک بین شناخت خدا با علم حصولی و علم حضوری شد. هر چه انسان در وادی حس، وهم و خیال، با علم حصولی، برای شناخت خدا پیش برود، جز به یک صورت شرک‌آلود، موهوم و خیالی ساخته و پرداخته‌ی ذهن خودش نمی‌رسد؛ زیرا محدوده‌ی این ادراکات صرفاً امور محسوس است و خروجی‌شان نیز تنها صور محسوسه و معانی جزئیّه است. اما با شناخت حصولی عقلی که نتیجه‌ی تدبّر در آیات و آثار الهی است، می‌توان با انتزاع از اوصاف کمالی انسان و تجرید آن‌ها از نواقص ممکنات، به یک معنای کلی از اوصاف خدا رسید که هم مورد تأیید قرآن و روایات است و هم برای عموم مردم میسر است. نوع دیگری از خداشناسی، در سرشت تمام انسان‌ها به صورت خداشناسی حضوری فطری، از ابتدای خلقت‌شان نهادینه شده است؛ که با اندک توجهی می‌توان آن را درک کرد. سنخ دیگر خداشناسی حضوری، معرفت شهودی قلبی است که مراتبی از آن با تزکیه‌ی نفس و سیر و سلوک باطنی، قابل وصول است. این نوع شناخت، واضح‌ترین و کامل‌ترین معرفت‌ها نسبت به حقیقت پروردگار است که شدت و ضعف آن به میزان ظرفیت و سعوی وجودی افراد متفاوت است. (البته تمام این مباحث با پیش‌فرض گرفتن استحاله‌ی اکتناه به ذات و صفات الهی است).

**واژه‌گان کلیدی:** امکان شناخت خدا، حدود شناخت خدا، علم حصولی، علم حضوری.

## فهرست مطالب

|         |                              |
|---------|------------------------------|
| 1.....  | فصل اول: کلیات و مفاهیم      |
| 2.....  | گفتار اول: کلیات             |
| 2.....  | 1. بیان مسئله                |
| 2.....  | 2. اهمیت و فواید             |
| 4.....  | 3. پیشینه‌ی تحقیق            |
| 5.....  | 4. اهداف پژوهش               |
| 5.....  | 5. سؤالات اصلی و فرعی        |
| 5.....  | 5-1. سوال اصلی               |
| 5.....  | 5-2. سؤالات فرعی             |
| 6.....  | 6. چهارچوب نظری تحقیق        |
| 6.....  | 7. فرضیه‌های تحقیق           |
| 7.....  | 8. پیش فرض‌های تحقیق         |
| 7.....  | 9. روش انجام تحقیق           |
| 7.....  | 10. سازماندهی تحقیق          |
| 9.....  | گفتار دوم: مفاهیم            |
| 9.....  | 1. امکان                     |
| 10..... | 2. حدود                      |
| 11..... | 3. شناخت (علم، ادراک، معرفت) |
| 12..... | 3-1. علم                     |
| 13..... | 3-2. ادراک                   |
| 14..... | 3-3. معرفت                   |

|                                  |                                |
|----------------------------------|--------------------------------|
| ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... | فصل دوم: ابزارها و انواع شناخت |
| ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... | گفتار اول: ابزارهای شناخت      |
| ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... | 1. حواس پنج‌گانه‌ی ظاهری       |
| ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... | 2. حواس پنج‌گانه‌ی باطنی       |
| Error! Bookmark not defined..... | 1-2. حس مشترک                  |
| Error! Bookmark not defined..... | 2-2. قوه‌ی خیال (مصوره)        |

- 3-2. قوه‌ی واهمه ..... Error! Bookmark not defined.
- 4-2. قوه‌ی ذاکره ..... Error! Bookmark not defined.
- 5-2. قوه‌ی متصرفه (متخیله یا متفکره) ..... Error! Bookmark not defined.
3. قوه‌ی عاقله (عقل) ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
- 1-3. عقل عملی ..... Error! Bookmark not defined.
- 2-3. عقل نظری ..... Error! Bookmark not defined.
4. قلب (دل، فؤاد) ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
- گفتار دوم: انواع شناخت** ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
1. شناخت حصولی ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
- 1-1. شناخت حسّی ..... Error! Bookmark not defined.
- 2-1. شناخت وهمی ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-1. شناخت خیالی ..... Error! Bookmark not defined.
- 4-1. شناخت عقلی ..... Error! Bookmark not defined.
- نظریه‌ی تجرید ..... Error! Bookmark not defined.
2. شناخت حضوری ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
- 1-2. علوم حصولی حضوری ..... Error! Bookmark not defined.
- 2-2. علم حضوری غیر اکتسابی (شناخت فطری) ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-2. علم حضوری اکتسابی (شناخت شهودی) ..... Error! Bookmark not defined.

## **فصل سوم: امکان شناخت خدا از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه** ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

مقدمه ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

### **گفتار اول: امکان شناخت خدا با علم حصولی** ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

1. ادله امکان شناخت خدا با علم حصولی ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

1.1. ادله‌ی قرآنی ..... Error! Bookmark not defined.

1-1-1. آیاتی که بیانگر وجود قوای حسّی و عقلی برای شناخت خدا هستند. ..... Error! Bookmark not defined.

نحوه‌ی استدلال: ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

1-1-2. آیاتی که به شناخت حسّی در پدیده‌های عالم امر می‌کنند. ..... Error! Bookmark not defined.

1-1-3. آیاتی که به شناخت عقلی در نظام آفرینش (آیات آفاقی) امر می‌کنند. ..... Error! Bookmark not defined.

نحوه‌ی استدلال: ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

1-1-4. آیه‌ی تجلی پروردگار عالم ..... Error! Bookmark not defined.

بیان استدلال ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

2-1. ادله‌ی روایی (با تأکید بر نهج البلاغه) ..... Error! Bookmark not defined.

شناخت حاصل از تدبّر و مطالعه در نظام آفرینش و آیات الهی در نهج البلاغه. **Error! Bookmark not defined.**

2. شبهات امکان شناخت خدا با علم حصولی..... **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

1-2. شبهات قرآنی..... **Error! Bookmark not defined.**

2-1-1. شبهه‌ی تقدیسات و تنزیهات قرآنی در نفی شناخت خدا. **Error! Bookmark not defined.**

..... نقد و بررسی: **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

2-1-2. شناخت خدا با حواس ظاهری در برخی آیات. **Error! Bookmark not defined.**

..... نقد و بررسی **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

2-2. شبهات روایی (با تأکید بر نهج البلاغه)..... **Error! Bookmark not defined.**

2-2-1. شبهات پیرامون حواسّ ده گانه‌ی ظاهری و باطنی. **Error! Bookmark not defined.**

2-2-3. شبهات پیرامون قوه‌ی عقل و تفکر..... **Error! Bookmark not defined.**

..... نقد و بررسی: **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

3. جمع‌بندی..... **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

**گفتار دوم: امکان شناخت خدا با علم حضوری.** **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

1. ادله‌ی امکان شناخت خدا با علم حضوری..... **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

1-1. ادله‌ی قرآنی..... **Error! Bookmark not defined.**

1-1-1. آیات فطرت خداشناس انسان..... **Error! Bookmark not defined.**

1-1-2. میثاق بندگی و اقرار به ربوبیت خدا..... **Error! Bookmark not defined.**

1-1-3. معرفت مخلصین به خدا..... **Error! Bookmark not defined.**

..... نحوه‌ی استدلال: **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

1-1-4. شهود وجه‌الله دلیل بر امکان شناخت خدا..... **Error! Bookmark not defined.**

..... نحوه‌ی استدلال: **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

1-1-5. آیات لقاء ربّ (امکان ملاقات پروردگار با عمل صالح). **Error! Bookmark not defined.**

1-1-6. تقاضای رؤیت خدا از سوی حضرت موسی (علیه السلام). **Error! Bookmark not defined.**

2-1. ادله‌ی روایی (با تأکید بر نهج البلاغه)..... **Error! Bookmark not defined.**

2. شبهات امکان شناخت خدا با علم حضوری..... **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

1-2. شبهات قرآنی..... **Error! Bookmark not defined.**

..... آیه‌ی نفی علم **Error! Bookmark not defined.**

..... تقریر شبهه **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

..... نقد و بررسی: **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**

2-2. شبهات روایی (با تأکید بر نهج البلاغه)..... **Error! Bookmark not defined.**

3. جمع‌بندی..... **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**



## فصل چهارم: حدود شناخت خدا از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه. ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

گفتار اول: حدود شناخت خدا با علم حصولی. ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

1. ادله‌ی حدود شناخت خدا با علم حصولی ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

ادله‌ی قرآنی ..... Error! Bookmark not defined.

1. افزایش بخشیدن به شناخت حصولی از خدا با سیر و سفر در زمین. Error! Bookmark not defined.

2. بیان نشانه‌های خدا در راستای شناخت الهی ..... Error! Bookmark not defined.

2. شبهات حدود شناخت خدا با علم حصولی ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

1-2. شبهات قرآنی ..... Error! Bookmark not defined.

1-1-2. شبهه‌ی نفی احاطه‌ی علمی به ذات الهی ..... Error! Bookmark not defined.

نقد و بررسی: ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

2-1-2. شبهه‌ی نفی احاطه به علم الهی ..... Error! Bookmark not defined.

نقد و بررسی: ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

2-2. شبهات روایی (با تأکید بر نهج البلاغه) ..... Error! Bookmark not defined.

2-2-1. شبهات پیرامون حدود شناخت ذات الهی ..... Error! Bookmark not defined.

نقد و بررسی: ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

2-2-2. شبهات پیرامون حدود شناخت صفات الهی ... Error! Bookmark not defined.

یک شبهه: ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

نقد و بررسی: ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

3. جمع‌بندی ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

گفتار دوم: حدود شناخت خدا با علم حضوری. ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

1. ادله‌ی حدود شناخت خدا با علم حضوری ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

1-1. ادله قرآنی ..... Error! Bookmark not defined.

1-1-1. حدود معرفت الله در آیات فطرت و میثاق ..... Error! Bookmark not defined.

1-1-2. رؤیت ملکوت آسمان و زمین ..... Error! Bookmark not defined.

نحوه‌ی استدلال: ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

یک سؤال و جواب: ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

1-1-3. شناخت خدا به اندازه‌ی تقرب به او ..... Error! Bookmark not defined.

یک سؤال و جواب: ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

1-1-4. مقام شهود تنها راه نیل به معرفه‌الرب واقعی ..... Error! Bookmark not defined.

2-1. ادله‌ی روایی (با تأکید بر نهج البلاغه) ..... Error! Bookmark not defined.

شناخت فطری و شهودی در کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) ..... Error! Bookmark not defined.

معرفت شهودی در طول شناخت حصولی ..... Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. .... شناخت خدا با خود خدا  
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... یک سؤال و جواب:  
Error! Bookmark not defined. .... شناخت خدا با شناخت پیامبر و ائمه (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)  
Error! Bookmark not defined. .... شناخت خدا با خودشناسی (آیات انفسی)  
Error! Bookmark not defined. .... معنای معرفت النفس:  
Error! Bookmark not defined. .... تزکیه نفس تنها راه برای خودشناسی  
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... 2. شبهات حدود شناخت خدا با علم حضوری  
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... 3. جمع‌بندی

ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... **خاتمه و نتایج**  
Error! Bookmark not defined. .... 1. حدود توهم و تخیل و نقش آنها در شناخت خدا  
Error! Bookmark not defined. .... 2. حدود تفکر و تعقل و نقش آن در شناخت خدا  
Error! Bookmark not defined. .... 3. حدود شهود قلبی و نقش آن در شناخت خدا  
Error! Bookmark not defined. .... دسته‌بندی نهایی  
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED..... منابع

# فصل اول:

## کلیات و مفاهیم

## گفتار اول: کلیات

### 1. بیان مسئله

امکان علم و شناخت برای انسان وجود دارد و این امری وجدانی و غیرقابل انکار است. مسلماً متعلق شناخت انسان هم می تواند خود او باشد و هم غیرش یعنی هم امکان شناخت خود انسان برای او فراهم است و هم غیرخودش؛ اما در رابطه با شناخت خدا، از یک سو قرآن کریم و بسیاری از روایات، انسان را به شناختن خدا و ایمان به او دعوت می کنند؛ و از طرفی دیگر در خود قرآن و نیز بسیاری از فرمایشات حضرات معصومین (علیهم السلام) خصوصاً امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره ی ناتوانی انسان و ادراکاتش در شناخت پروردگار آمده است: «هیچ اندیشه ای به تو نمی رسد و هیچ دیده ای تو را نمی نگرد...»<sup>۱</sup> یا آن جا که می فرماید: «خدایی که افکار ژرف اندیش، ذات او را درک نمی کند و دست غواصان دریای علوم به او نخواهد رسید، پروردگاری که برای صفات او حد و مرزی وجود ندارد...»<sup>۲</sup> و بسیاری دیگر از این گونه تعابیر که به وفور در آیات و روایات به چشم می خورند؛

با توجه به گوناگونی بیان قرآن و کلمات معصومین (علیهم السلام) در باب شناخت خدا؛ حال سؤال این است: «آیا شناخت خداوند ممکن است؛ حدود آن از دیدگاه قرآن و روایات (خصوصاً نهج البلاغه) کدام است؟»

### 2. اهمیت و فواید

اهمیت ذات شناخت خدا از یک لحاظ به این خاطر زیاد است که حضرت علی (علیه السلام) این شناخت را، ارزشمندترین و برترین معرفت ها می داند؛<sup>۳</sup> زیرا ارزش هر علمی به

---

1. نهج البلاغه، خطبه 160؛ «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ... لَمْ يَنْتَه إِلَيْكَ نَظْرٌ وَ لَمْ يَدْركْكَ بَصَرٌ...»  
2. نهج البلاغه، خطبه 1 «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مَدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَ لَا يُحْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُونَ وَ لَا يُؤَدِّي حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ الَّذِي لَا يَدْركُهُ بَعْدُ الْهَمَمُ وَ لَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطْنِ الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ وَ لَا نَعْتٌ مَوْجُودٌ وَ لَا وَقْتُ مَعْدُودٌ وَ لَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ...»

3. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص 712، ح 150. قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): «مَعْرِفَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْلَى الْمَعَارِفِ.»

متعلق آن بستگی دارد و در بحث ما متعلق شناخت، خود خداوند متعالی است. از سوی دیگر ضرورت معرفت الله را می توان از انحصار موجود در آیه‌ی: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۱</sup> یعنی: «نیافریدم جن و انس را مگر برای این که مرا عبادت نمایند.» دریافت؛ زیرا اکثر مفسرین بر اساس روایات آن را به «لِيَعْرِفُونِ (لِيَعْرِفُونِي)» تفسیر کرده‌اند.<sup>۲</sup> بر این اساس معرفت خالق علت غایی خلقت انسان است؛ نه صرفاً عبادت عاری از معرفت. زیرا اساساً عبادت بدون شناخت و معرفت معبود بی معنا و بی ارزش است.

با توجه به روایت امیرالمومنین علی (عَلَيْهِ السَّلَام) که می فرماید: «سَرَّاعَازِ دِينِ دَارِي سَنَاخَتْ خُدا است...»<sup>۳</sup> می دانیم که شرط اصلی دین داری شناخت و معرفت به خداوند سبحان است. لذا هم اصل ایمان به خدا و هم عمل بر طبق دستورات دین خدا منوط به شناخت خود خدا است که از عالی ترین معرفت‌ها است.

شناخت خداوند به زندگی معنای واقعی می دهد و انسان را با هویت واقعی اش - که مقام خلیفه الهی است - آشنا می کند و راه صحیح رسیدن به سعادت جاودانه را در مقابل انسان ترسیم می کند؛ لذا تحقیق درباره‌ی امکان و حدود شناخت خدا و بیان راه های رسیدن به آن، آن هم از کلام خدا و کلمات نورانی حضرت امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) می تواند از لحاظ قدر و منزلت یکی از باارزش ترین پژوهش ها باشد.

از جمله فایده های این تحقیق این است که:

- 1) یک جمع بندی از بحث امکان و حدود خدا شناسی را ارائه می دهد.
- 2) امکان و حدود شناخت حصولی و حضوری خدا را با محوریت قرآن و روایات معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَام) بالأخص نهج البلاغه، کاملاً تبیین می کند.
- 3) شبهات این باب و تناقضات ظاهری بین دو دسته از آیات و روایات را برطرف می کند، دسته ای که انسان را دعوت به شناختن خداوند می کنند و دسته ای دیگر که انسان را ناتوان از شناخت خدا می دانند.
- 4) راه های معرفت و شناخت درست از خدا را برای سالکین این راه ترسیم می کند.
- 5) از همه مهم تر میزان کارایی و احاطه ی علم حصولی و علم حضوری بشر در عرصه -

1. سوره ذاریات، آیه: 56.

2. رک: (مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج 13، ص: 33)، (تفسیر هدایت، ج 14، ص: 72)، (تفسیر اثنا عشری، ج 12، ص: 285)، (تفسیر عاملی، ج 8، ص: 7)، (ترجمه بیان السعاده، ج 13، ص: 413) و...

3. «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَةُ...» نهج البلاغه، خطبه 1.

ی بی کران شناخت خدا مشخص می شود.

### 3. پیشینه‌ی تحقیق

در این رابطه باید گفت، هر چند در موضوع «شناخت خدا»، کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی نوشته شده است که هر کدام شاخه‌ای از این موضوع مهم را مورد بحث قرار داده‌اند و به علت گستردگی دامنه آن، تحقیقات و تألیفات زیادی انجام شده که در فهرست منابع به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهد شد؛ اما کتاب یا پایان‌نامه‌ی خاصی با این عنوان مشخص (امکان و حدود شناخت خدا در قرآن و نهج‌البلاغه) نوشته نشده است.

کتب مرتبط با بحث خداشناسی را می‌توان به سه دسته‌ی عمده تقسیم‌بندی کرد:

1) مرحله آشنایی، شامل کتاب‌هایی مانند: «انسان و ایمان»، «ایمان به غیب» و «جهان‌بینی توحیدی» / مرتضی مطهری، «اصول عقاید» / محسن قرائتی، «توحید» / شهید دستغیب، «آفریدگار جهان» / ناصر مکارم شیرازی، «مبانی خداشناسی» / محمد محمدی ری‌شهری، «کلام و عقاید» / رضا برنج‌کار، «خدا از دیدگاه قرآن» / شهید سید محمدحسین حسینی بهشتی و ... (2) مرحله‌ی متوسط، مانند کتاب‌هایی از جمله: «توحید» / مرتضی مطهری، «کلام» و «آموزش کلام اسلامی» / محمد سعیدی مهر، «بحثی مبسوط در آموزش عقاید» / محسن غرویان، «آموزش عقاید»، «آموزش فلسفه» و «خداشناسی» / محمدتقی مصباح یزدی، «توحید در نگاه عقل و دین» / شریعتی سبزواری، «خداشناسی» / محمدحسن قدردان قراملکی و ... (3) مرحله‌ی پیشرفته، مانند کتاب‌های: «اصول فلسفه و روش رئالیسم» / مرتضی مطهری، «رسائل توحیدی» / سید محمد حسین طباطبایی، «اسماء و صفات حق تبارک و تعالی» / غلام‌حسین ابراهیمی دینانی، «شرح الاسماء الحسنی» (شرح دعای جوشن کبیر) / ملا هادی سبزواری، «الله شناسی» / سید محمدحسین حسینی طهرانی، «تبیین براهین اثبات خدا» و «توحید در قرآن» / عبدالله جوادی آملی و ...

این کتاب‌ها و کتاب‌هایی از این قبیل با وجود تمام محسناتی که دارند، اما به طور مشخص بحث شناخت خدا را از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه - که موضوع این تحقیق است - بحث نکرده‌اند و هر کدام به جنبه‌ی خاصی از مسئله پرداخته‌اند؛ مثلاً ادله و براهین اثبات وجود خدا و صفاتش را بیان کرده‌اند یا این‌که بحث شناخت خدا را از زاویه‌ای غیر از زاویه‌ی امکان و حدود شناخت حصولی و حضوری مورد بررسی قرار داده‌اند.

مطالب گردآوری شده در کتاب «خداشناسی»<sup>۱</sup> استاد مصباح یزدی و هم‌چنین کتاب «توحید در قرآن»<sup>۲</sup> استاد جوادی آملی از همه بیشتر، با موضوع این تحقیق تناسب دارند که استفاده‌ی زیادی هم در محتوا و هم در اسلوب از آن‌ها شده است؛ البته در دیگر کتب کلامی و عرفانی و هم‌چنین تفاسیر شیعه نیز در این رابطه مطالب قابل توجهی بیان شده است که در حدّ توان و نیاز از آن‌ها استفاده خواهد شد؛ در هر صورت عرصه‌ی وسیعی برای تحقیق و پژوهش عالمانه در این باب وجود دارد. اما تحقیق کافی و تدوین مقالات علمی و پژوهشی بیشتر در این زمینه هم‌چنان لازم است و باید از جوانب مختلف به موضوع «شناخت خدا» پرداخته شود. بر این اساس با استعانت از ذات احدیت (جَلَّ وَعَلَا)، سعی بر این است که در حدّ توان و بضاعت علمی، با راهنمایی اساتید محترم، گام‌های مؤثری برداشته شود. [وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ]

#### 4. اهداف پژوهش

هدف از این تحقیق این است که: به بررسی امکان و حدود شناخت خدا توسط انسان پردازد و این امکان و حدود را با بیان ادلّه و شبهات پیرامون این موضوع، بر اساس نظر قرآن و نهج‌البلاغه مطرح کند؛ سپس در نهایت به یک جمع‌بندی از بحث خداشناسی برسد و تنافی ظاهری بین برخی آیات و روایات که شناختن خدا را ممکن و انسان را به آن دعوت می‌کنند و برخی دیگر که دلالت بر ناتوانی انسان از شناخت خدا دارند، برطرف کند.

#### 5. سؤالات اصلی و فرعی

##### 5-1. سوال اصلی

«شناخت خداوند چگونه امکان‌پذیر است و حدود آن از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه کدام‌اند؟»

##### 5-2. سؤالات فرعی

---

1. مصباح یزدی، محمد تقی، خداشناسی، (جلد اول از مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن)، تحقیق و بازنگاری: امیر رضا

اشرفی، قم/ موسسه‌ی آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، 1389.

2. جوادی آملی، عبدالله، توحید در قرآن، (تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج 2)، قم، مرکز نشر اسراء، 1383.

- 1) ابزارها و انواع شناخت آدمی کدامند؟
- 2) بنا بر نظر قرآن و نهج البلاغه، نقش علم حصولی در امکان شناخت خدا چیست؟
- 3) بر اساس ادله‌ی قرآنی و روایی (با تأکید بر نهج البلاغه)، شناخت خدا با معرفت حضوری چگونه ممکن است؟
- 4) حدود شناخت خدا با علم حصولی بر اساس رویکرد قرآن و نهج البلاغه کداماند؟
- 5) حدود شناخت خدا با علم حضوری از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه کداماند؟

## 6. چهارچوب نظری تحقیق

موضوع اصلی تحقیق بحث مهم و اساسی امکان شناخت خدا و محدوده آن در سایه استنباط نظریه قرآن کریم در این زمینه است که با توجه به مبانی کلامی، فلسفی و عرفانی مکتب ناب تشیع به تفسیر فرازهای به ظاهر ناسازگار پرداخته می‌شود تا سازگاری آن‌ها اثبات شود.

## 7. فرضیه‌های تحقیق

- 1) متون دینی شناخت خدا را در برخی موارد ناممکن و راه‌های آن را مسدود می‌دانند و برخی را ممکن و طرق آن را بیان می‌نمایند.
- 2) از دیدگاه قرآن و روایات (با تأکید بر نهج البلاغه)، شناخت خدا برای انسان به میزان درک و ظرفیت وجودی بشر- با یک دسته از علوم حصولی (معرفت عقلی) ممکن و با دسته‌ای دیگر (شناخت حسّی وهمی و خیالی) ناممکن است که با ادله‌ی قطعی قابل اثبات است.
- 3) شناخت خدا با علوم حضوری (اعم از شناخت فطری و شهودی)، ممکن بوده و قرآن و روایات (خصوصاً نهج البلاغه)، به خوبی بر امکان، بلکه وقوع آن، اقامه‌ی دلیل می‌کنند. این نوع شناخت از بهترین و ارزش‌مندترین معرفت‌ها است.
- 4) قرآن کریم و نهج البلاغه از طریق آیات آفاقی و انفسی، انسان را به شناخت خدا دعوت کرده، موارد متعددی را بیان می‌کنند.
- 5) با تفسیر درست و عالمانه قرآن و نهج البلاغه، بر طبق مذهب کلامی شیعه‌ی امامیه، و نقد و بررسی صحیح، به جواب‌های قانع‌کننده از تمامی شبهات در باب امکان و حدود شناخت خدا با علم حصولی و حضوری، خواهیم رسید.



## 8. پیش فرض های تحقیق

- 1) وجود خدا بنابر دلایل قطعی (عقلی و نقلی) مسلم و غیرقابل انکار است.
- 2) ظاهر قرآن و روایات در مباحث کلامی از قبیل شناخت خدا قابل استنادند.
- 3) استناد به قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) از راه استنباط و تفسیر متون مورد نظر امکان پذیر است.
- 4) در معنای کلمات قرآن و روایات قطعی السند و الدلاله (مانند نهج البلاغه)، تعارضی وجود ندارد بلکه روایات در واقع مفسر و مخصّص عمومات قرآن اند و با مراجعه به روایات صحیح از معصومین (علیهم السلام) ظنی بودن دلالت قرآن مرتفع می شود.
- 5) در صورت فرض تعارض بین آن دو نظر قرآن مقدم است. زیرا قرآن قطعی الصدور است و در نزول آن از جانب خداوند متعالی شکی نیست.
- 6) عقل انسان از درک و معرفت کامل نسبت به کنه اشیاء و حقایق عاجز است؛ همچنین شناخت خداوند سبحان به معنای اکتناه به ذات و صفات او برای نوع بشر هم با علم حصولی و هم با علم حضوری محال است.

## 9. روش انجام تحقیق

این تحقیق، به دلیل ماهیت موضوع اش که مبتنی بر آیات و روایات و سایر متون دینی است، به صورت کتابخانه‌ای و فیش برداری انجام یافته است. شیوه‌ی ارائه و نقد و بررسی مطالب به صورت توصیفی تحلیلی است. در ضمن، برای سهولت بیشتر در امر پژوهش و دسترسی به منابع وسیع تر، علاوه بر بعضی برنامه‌های نرم‌افزاری مرکز تحقیقات کامپیوتری «نور» (که در بردارنده‌ی چندین هزار جلد کتاب فارسی و عربی می‌باشند)؛ از برخی سایت‌های اینترنتی برای دسترسی به مقالات و پژوهش‌های مرتبط با موضوع، با ارجاع کامل و دقیق به همراه ذکر منابع، نیز استفاده شده است.

## 10. سازماندهی تحقیق

این پایان‌نامه در چهار فصل و یک خاتمه تدوین شده که فصل اول آن به بیان کلیات و مفاهیم پرداخته است. فصل دوم در رابطه با ابزارهای شناخت و انواع آن است که با دسته بندی انواع شناخت به شناخت حصولی و حضوری، مفصلاً توضیح داده می‌شود. موضوع فصل سوم در رابطه با امکان شناخت خدا در قرآن و نهج البلاغه است. این بحث در دو

گفتار تحت عناوین امکان شناخت حصولی خدا و امکان شناخت حضوری خدا مطرح شده که هر گفتار با بیان ادله‌ی قرآنی و روایی (با تأکید بر نهج‌البلاغه)، و همچنین نقد و بررسی شبهات موجود و یک جمع‌بندی به پایان می‌رسد. فصل چهارم مربوط به حدود شناخت خدا در قرآن و نهج‌البلاغه است. ساختار این فصل نیز مانند فصل سوم مشتمل بر دو گفتار است، یکی حدود شناخت حصولی خدا و دیگری حدود شناخت حضوری خدا. در پایان هر گفتار یک جمع‌بندی بیان می‌شود. در خاتمه نیز با نتیجه‌گیری کلی بحث شناخت خدا در قرآن و نهج‌البلاغه به پایان می‌رسد.

## گفتار دوم: مفاهیم

### 1. امکان

«امکان»<sup>۱</sup> از لحاظ لغوی به معنای «آسان بودن» و «توانایی انجام کار» است؛<sup>۲</sup> که در این-جا منظور ما این معنای لغوی نیست. اما در اصطلاح منطق و فلسفه مقابل ضرورت و امتناع است. معنای خاص آن عبارت از سلب ضرورت هم از جانب موافق (وجود) و هم از طرف مخالف (عدم) است. در کتاب فرهنگ معارف اسلامی چنین آمده است:

«امکان خاص» عبارت است از این که، وجود چیزی نسبت به دو طرف ضرورت و امتناع، حالت تساوی داشته باشد و معنی آن که می‌گویند فلان امر ممکن است این است که وجود و عدم، هیچ کدام برای آن ضروری نیست و موصوف بلا اقتضائی محض است یعنی نه مقتضی وجود است و نه مقتضی عدم.<sup>۳</sup>

اما معنای دیگر امکان، «امکان عام»<sup>۴</sup> است که به معنای «سلب ضرورت از جانب مخالف» است؛ یعنی این که عدم برای چیزی ضرورت نداشته باشد.<sup>۵</sup> البته با آوردن دلیل بر وجود و وقوع شیء مورد نظر، هم زمان معلوم می‌شود شیء مورد نظر از ممتنعات نبوده و از امکان عام برخوردار است؛ زیرا «أدلُّ دلیل علی امکان شیء وقوعه». در این رساله مراد ما از امکان همین معنا است (یعنی امکان عام)؛ پس وقتی می‌گوییم شناخت خدا ممکن است، در واقع یعنی شناخت خدا یک امر ممتنع عقلی نیست. به عبارت

#### 1. Possibility

2. صلیبا، جمیل، المعجم الفلسفی، ج 1، ص 134، «الامکان؛ فی اللغه، مصدر أمکن إمكنًا، كما تقول: أكرم إكرامًا، و هو أيضا مصدر أمکن الشيء من ذاته، تقول: أمکن الأمر فلانا و لفلان، سهل عليه، أو تيسر له فعله، و قدر عليه، و تقول: فلان لا یمكنه النهوض أی لا یقدر علیه، و أمکننی الأمر أی أمکننی من نفسه.»

3. سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ج 1، ص 300

#### 4. General Possibility

5. صلیبا، جمیل، المعجم الفلسفی، ج 1، ص : 134 «الامکان العام هو سلب الضرورة عن أحد الطرفين، و الامکان الخاص سلب الضرورة عن الطرفين معا.»

دیگر یعنی، امتناع شناخت خدا ضرورت عقلی ندارد. و در مقابل اگر گفته شود شناخت خدا غیر ممکن است؛ یعنی امتناع شناخت خدا ضرورت عقلی دارد و اصطلاحاً ممتنع بالذات است.

## 2. حدود

«حدود» جمع حدّ است که برای آن معانی متعددی در کتب لغت ذکر شده است از جمله: «مرز»<sup>۱</sup>، «لبه‌ی تیز»<sup>۲</sup>، «منع»<sup>۳</sup>، «فاصله»<sup>۴</sup>، «منتهی‌الیه هر چیزی»<sup>۵</sup> و ... اقوال اهل لغت نیز هر کدام به گونه‌ای بر همین معانی دلالت دارند.<sup>۶</sup> البته شاید بتوان گفت که برگشت همه‌ی این معانی به یک معنای واحد است. مثلاً به تصریح راغب علت تسمیه حدّ زنا و حدّ خمر آنست که مرتکب را از ارتکاب مجدد باز می‌دارد و نیز دیگران را از ارتکاب آن منع می‌کند.<sup>۷</sup> مرز، واسطه‌ی میان دو چیز است که از اختلاط آن دو جلوگیری می‌کند. «تَلْكَ

### 1. Limit / Frontier

### 2. Edge

### 3. Prohibition

### 4. Distance

### 5. Limitation

6. «الحدّ: الحاجز بین الشیئین الذی یمنع اختلاط أحدهما بالآخر، یقال: حَدَدْتُ كَذَا: جعلت له حدّاً یمیّز، و حدّ الدار: ما یتّیّز به عن غیرها، و حدّ الشیء: الوصف المحیط بمعناه الممیّز له عن غیره، و حدّ الزنا و الخمر سمّی به لکونه مانعاً لمتعاطیه من معاودة مثله، و مانعاً لغيره أن یسلک مسلک...» (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص 221) / حایل به حدّ فاصل میان دو چیز، کیفر؛ «حدّ الشیء»: حدود و مشخصات هر چیزی، - منّ السیف: لبه شمشیر؛ «سیف ذو حدّین»: شمشیر دو لبه، - منّ الإنسان: سختی و هیبت مرد بر اثر خشم، - منّ الشّراب: تندی و تیزی شراب، - منّ کُلّ شیء: سختی و شدت چیزی...» (بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی - تهران، چاپ: دوم، 1375 ش.) / «الحدّ: الفصل بین الشیئین لئلا یختلط أحدهما بالآخر أو لئلا یتعدی أحدهما علی الآخر، و جمعه حُدود. و فصل ما بین کل شیئین: حدّ بینهما. و منتهی کل شیء: حدّه و منه: أحد حُدود الأرضین و حُدود الحرم...» (ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، ج 3، ص: 14) / «الحدّ فی اللغة المنع و الفصل بین الشیئین، و منتهی کل شیء. الحد منتهی الشیء و یطلق علی السطح او الخط او النقطه التي تفصل بین منطقتین متجاورتین، أو علی النقطه التي تفصل بین زمانین. تقول: حدود الدولة، و حدود الأزمنه. و للحدّ بحسب هذا التعریف معنی مجازی، و هو دلالتّه علی النقطه التي ینتهی عندها امکان الفعل، تقول: حدود السلطه التنفيذیه، و حدود العلم، و حدود الصبر.» (صلیبا، جمیل، المعجم الفلسفی، ج 1، ص: 450)

7. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص 221

حُدُودَ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا»<sup>۱</sup> یعنی: «آن‌ها مرزهای خداست پس به آنها نزدیک نشوید.» مراد از حدود الله احکام خداست اعم از محرّمات - که باید به آنها نزدیک نشد- و واجبات که از آنها نباید تجاوز کرد «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا»<sup>۲</sup> بنابر این مرز را از آن جهت حدّ می‌گویند که میان دو شیء واقع شده و مانع از اختلاط آنها می‌شود.

شاید دو خاصیت مهم تعریف یعنی جامعیت (افراد) و مانعیت (اغیار) آن به وجه تسمیه‌ی آن بر می‌گردد؛ زیرا «تعریف»<sup>۳</sup> را نیز به این خاطر «حدّ» می‌گویند که مبین نهایت معنا و حقیقت شیء است.<sup>۴</sup>

بنا بر این مسلماً منظور ما از «حدود» در عنوان این تحقیق همان معنای «نهایت فهم و ادراک» و انتهای مرزی است که انسان می‌تواند خدا را بشناسد و به او راه پیدا کند که صاحب کتاب المعجم الفلسفی از آن به «نهایه العلم» یاد کرده است.<sup>۵</sup>

### 3. شناخت (علم، ادراک، معرفت)

بنا به تعبیر استاد جوادی آملی «شناخت»<sup>۶</sup> از مفاهیم بدیهی و غیر قابل تعریف است؛<sup>۷</sup> چون تعریف شناخت در واقع تعریف علم به علم است و این مستلزم دور باطل است. لذا آنچه در تعریف شناخت گفته می‌شود در واقع تعریف حقیقی نیست؛ بلکه شرح-

1. سوره بقره، آیه: 187

2. سوره بقره، آیه: 229

#### 3. Definition

4. صلیبا، جمیل، المعجم الفلسفی، ج 1، ص: 450، «الحدّ أيضاً النهایة التي یتتبی إليها تمام المعنی، و ما یوصل الیه التصور المطلوب.»

5. صلیبا، جمیل، المعجم الفلسفی ج 1، ص 250 و 251، «و قد یطلق الحدّ علی اللحظة الفاصلة بین زمانین، او علی تمام لفعل و نهایة العلم. ... و کل من قال بعجز العقل عن ادراک الأمور الالهیة قال بتحدید نطاقه.»

#### 6. Cognition

7. صاحب اسفار در خصوص علت عدم امکان تعریف «علم» و «معرفت» و بدیهی بودن آن می‌نویسد: «ولا شیء اعرف من العلم لانه حاله وجدانیة نفسانیة یجدها الحی العلیم من ذاته ابتداءً من غیر لبس و لا اشتباه و ما هذا شأنه یتعذّر أن یعرف ما هو اجلی و أظهر و لأنّ کلّ شیء یظهر عند العقل بالعلم به فكیف یظهر العلم بشیء غیر العلم؟» صدرالمتألهین تصریح کرده است اولاً: هیچ چیزی روشن تر و واضح تر از علم وجود ندارد و هیچ چیز چنین شأنی ندارد که او را روشن تر و آشکارتر کند. ثانیاً: آگاهی انسان از مفهوم «علم»، وجدانی و حضوری است که هر موجود زنده‌ای از همان ابتدا، بدون هیچ‌گونه ابهام و اشتباهی آن را درمی‌یابد. (ر.ک: صدرالدین محمد شیرازی، الحکمة المتعالیه الاسفار العقلیة الاربعه، شرکه دارالمعارف الاسلامیه، 1383ق، ج 3، ص 279).

الاسم یا تعریف تنبیهی است.<sup>۱</sup> شهید مطهری نیز شناخت را بی‌نیاز از تعریف می‌داند.<sup>۲</sup> برای کلمه‌ی «شناخت» در زبان عربی معادل‌های زیادی وارد شده است. ما در اینجا با توضیح سه واژه‌ی «علم»<sup>۳</sup>، «ادراک»<sup>۴</sup> و «معرفت»<sup>۵</sup> که نزدیکترین مرادف‌های آن هستند؛ به تبیین معنای لغوی و اصطلاحی آنها می‌پردازیم. با تتبع در کتب لغت خواهیم یافت که قریب به 30 کلمه، با واژه‌ی «علم» مرادف‌اند.<sup>۶</sup> از آن جمله کلمه‌هایی مانند: معرفت، ادراک، شعور، تصور، فقه، حفظ، فهم، تذکر و ... اما در ابتدا لازم به تذکر است که نزدیکترین و بهترین معنا برای کلمه‌ی «شناخت» - که در عنوان این پایان‌نامه به آن اشاره شده - واژه‌ی «معرفت» است. البته دلیل آن با مراجعه به کتب لغت و با توضیحاتی که خواهد آمد، به روشنی مشخص می‌شود.

### 3-1. علم

از لحاظ لغوی واژه‌ی «علم» در دو معنا بکار رفته است: الف) قطع و یقین، ب) معرفت و شناخت. در کتب لغت نیز به هر دو معنا اشاره شده است.<sup>۷</sup> اما اصطلاحاً «علم» در منطق و فلسفه تعریف مشهوری دارد که به «صورت ذهنی اشیا» اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر به تصاویری که از اشیا در ذهن و حافظه‌ی انسان نقش می‌بندد علم گویند. به همین جهت در تعریف علم و ادراک گفته‌اند: «*العِلْمُ هُوَ الصُّورَةُ الْحَاصِلَةُ مِنَ الشَّيْءِ عِنْدَ الْعَقْلِ*». لازم به ذکر است شهید مطهری فرق بین معنای

1. ر.ک. جوادی آملی، عبدالله، معرفت شناسی در قرآن، ص 87
2. وی می‌گوید: «خود شناخت نیازی به تعریف ندارد، شناخت را فقط باید با یک الفاظ روشن تری توضیح داد؛ شناخت یعنی آگاهی، و آگاهی احتیاج به تعریف ندارد. این اجمال سخن در باب تعریف شناخت است که تا موقعی که محتوای شناخت کاملاً دانسته نشود نمی‌شود روی تعریفش بحث کرد» (مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج 13، ص 356).

#### 3. Knowledge

#### 4. Comprehension

#### 5. Knowledge / Direct experience

6. شیرازی، قطب الدین، دره‌ التاج، به اهتمام و تصحیح سید محمد مشکوه، حکمت، ص 84، 83 و 85. با تلخیص و تصرف و نیز ر.ک: عبدالرزاق لاهیجی، گوهر مراد، تهران، اطلاعات، 1375 ص 29.

7. ر.ک. فیومی، احمد بن محمد مقرئ، «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی»، ج 2، ص: 427، «*الْعِلْمُ: الْيَقِينُ يُقَالُ (عَلِمَ) (يَعْلَمُ) إِذَا تَيَقَّنَ وَجَاءَ بِمَعْنَى الْمَعْرِفَةِ أَيْضاً كَمَا جَاءَتْ بِمَعْنَاهُ ضَمَّنَ كُلُّ وَاحِدٍ مَعْنَى الْآخِرِ لِاشْتِرَاكِهِمَا فِي كَوْنِ كُلِّ وَاحِدٍ مَسْبُوقاً بِالْجَهْلِ لِأَنَّ الْعِلْمَ وَإِنْ حَصَلَ عَنْ كَسْبٍ فَذَلِكَ الْكَسْبُ مَسْبُوقٌ بِالْجَهْلِ وَفِي التَّنْزِيلِ «مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ» أَيْ عِلْمُوا وَقَالَ تَعَالَى «لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» أَيْ لَا تَعْرِفُونَهُمُ اللَّهُ يَعْرِفُهُمْ...»*

اصطلاحی و لغوی علم را از قبیل مصدر و اسم مصدر می‌داند؛<sup>۱</sup> چرا که شناخت، نتیجه و اثر نقش بستن صورت اشیا در ذهن است. علم به دو دسته‌ی عمده تقسیم می‌شود: «علم حصولی» و «علم حضوری» که توضیح آن‌ها به‌طور مفصل در فصل بعد آمده است.

### 3-2. ادراک

اکثر لغویین در معانی «درک»<sup>۲</sup> معنایی را ذکر نکرده‌اند که مستقیماً متناسب با علم و معرفت باشد؛ ولی صاحب مجمع البحرین برای ادراک دو معنا ذکر می‌کند: یکی «رسیدن و ملحق شدن» و دیگری «علم و اطلاع» است. وی در ادامه می‌گوید:

«ادراک»، اطلاع حیوان بر امور خارجی است که به سبب حواس حاصل می‌شود. ادراک انسان زائد بر علم انسان است ولی در مورد خداوند متعال چنین نیست؛ به جهت این که ما به طور قطع علم به حرارت آتش داریم و هنگام تماس با آتش چیزی اضافه بر علم را، به سبب حواسمان درک می‌کنیم. به جهت این که حواس از صفات اجسام است، و خداوند منزّه از آن است، معنای ادراک خداوند، علم ایشان به مدرکات می‌باشد؛ مانند علم ایشان به صوتی که سمع آن را درک می‌کند و ...»<sup>۳</sup>.

فخر رازی نیز این‌چنین بین معنای لغوی «ادراک» (وصول) و «شناخت» (علم) رابطه برقرار می‌کند:

«... قوه‌ی عاقله به ماهیت معقول می‌رسد و آن را تحصیل می‌نماید، از این رو به آن ادراک می‌گویند.»<sup>۴</sup>

---

1. رک: مطهری، مرتضی، «مجموعه آثار استاد شهید مطهری»، ج 5، صفحات 52 - 54.

#### 2. Comprehension

3. «الإدراک: اللّحوق. ... و الإدراک هو اطلاع الحيوان على الأمور الخارجيّة بواسطة الحواس؛ و هو زائد على العلم في حقنا لا في حق الحق تعالى. لأننا نعلم قطعاً بحرارة النار و نحس بأمر زائد عند المباشرة؛ و ذلك إنما هو بواسطة الحواس؛ و الباری تعالی لما كان منزهاً عن الحواس التي هي من صفات الأجسام لم يبق من معناه إلا علمه بالمدرکات كعلمه بالصوت الذي يدركه السمع و نحو ذلك.» (طریحی، فخر الدین، «مجمع البحرین»، ص: 426 ماده درک)

4. «... فالقوة العاقلة إذا وصلت إلى ماهية المعقول و حصلتها كان ذلك إدراكاً من هذه الجهة.» (فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، «مفاتیح الغیب»، ج 2، ص: 420)

مرحوم ملاصدرا نیز معتقد است که ادراک و علم، با هم مرادف بوده و تفاوتی ندارند.<sup>۱</sup>

با مراجعه به آثار اهل لغت و مفسرین ترادف لغوی کلمات فوق استنباط می شود و در بسیاری از موارد، برخی از معانی در تعریف دیگری اخذ شده اند؛ هر چند در مقام استعمال بعضی موارد نمی توانند به جای برخی دیگر استعمال شوند؛ مثلاً نمی توان گفت که خداوند شعور دارد، با این که می توان گفت که خداوند علم و ادراک دارد. مرحوم طبرسی در ذیل آیه ی: «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ»<sup>۲</sup> می گوید:

«شعور، چون با تخیل و احساس همراه است، بر خدا اطلاق نمی شود و نمی توان گفت که خداوند شعور دارد.»<sup>۳</sup>

### 3-3. معرفت

«معرفت»<sup>۴</sup> به معنی آگاهی و شناخت پیدا کردن نسبت به کسی یا چیزی است. مثل آیه ی: «فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ»<sup>۵</sup> یعنی: «بر یوسف داخل شدند پس یوسف آن ها را شناخت در حالی که آن ها او را نمی شناختند.»  
واژه ی «عَرَفَ» به همراه تمامی مشتقاتش، هفتاد و دو بار در قرآن کریم ذکر شده که همه ی آنها به نحوی معنای شناخت و ادراک را در دل خود دارند. مثلاً: (عُرِفَ)<sup>۶</sup> و (معروف)<sup>۷</sup> به معنی شناخته شده آمده است.

1. «الإدراك و العلم بمعنى واحد يطلق على أقسام الإدراكات كالتعقل و التخیل و الإحساس...» یعنی: ادراک و علم به یک معناست و بر اقسام زیادی اطلاق می شود؛ مانند: تعقل، تخیل و احساس. (صدر المتألهین، «الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه»، ج 3، ص 292)
2. سوره بقره، آیه: 9.
3. طبرسی، فضل بن حسن، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ج 1، ص: 433.

#### 4. Knowledge – Direct experience

5. سوره یوسف، آیه: 58.
6. مثل آیه 199 سوره ی اعراف: «خُدِ الْعُقُورَ وَ أَمْرٌ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرَضُ عَنِ الْجَاهِلِينَ». گذشت داشته باش و امر به معروف کن و از افراد نادان کناره بگیر.
7. مثل آیه 227 سوره ی بقره: «وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلِيَّهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ مرحوم علامه طباطبائی (ز) در ذیل همین آیه می فرماید: «قوله تعالى: وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلِيَّهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلِيَّهِنَّ دَرَجَةٌ، المعروف هو الذي يعرفه الناس بالذوق المكتسب من نوع الحياة الاجتماعية المتداولة بينهم، ... ، فالمعروف تتضمن هداية العقل، و حكم الشرع، و فضيلة الخلق



(تعریف)<sup>۱</sup> یعنی شناساندن؛ (تعارُف)<sup>۲</sup> از باب تفاعل و بین الاثنین است، یعنی شناختن همدیگر؛ (اعتراف)<sup>۳</sup> یعنی اقرار کردن به چیزی. این معنای اخیر نیز به اعتبار این است که با اعترافِ معترف، چیزی را که همه نمی دانستند، می فهمند و شناخته می شود. راغب در مفردات می گوید:

«معرفة و عرفان درک و شناختن شیء است با تفکر و تدبیر در آن و آن از علم اخص است ... «فلان يعرف الله» نمی گویند «يعلم الله» ... که معرفت بشر به خدا با تفکر در آثار اوست نه با ادراک ذات اش و گویند: «الله يعلم كذا» نگویند: «يعرف كذا».<sup>۴</sup>

بر این اساس دلیل این که در مورد شناخت خدا باید از واژه‌ی معرفت به خدا استفاده کرد نه علم به خدا، این است که معرفت اخصّ مطلق از علم است. یعنی نوع خاصی از علم که در مورد چیزی که حاصل تفکر عمیق و دقیق در آثار آن باشد استعمال می شود. این به آن معنا است که شناخت حاصل از معرفت به مراتب دقیق تر و کامل تر از شناخت حاصل از علم است. به دلیل این که بر شهودات باطنی که از سنخ مفاهیم ذهنی نیستند، معرفت اطلاق می شود اما علم چنین نیست؛ زیرا اطلاق علم اصطلاحاً تنها در مورد ادراکات ذهنی و حیثه‌ی تفکر صادق است. به بیان دیگر، معرفت احاطه بر تمام یا قسمتی از حقیقت وجودی شیئی است بر خلاف علم که احاطه بر تمام یا بخشی از حقیقت ماهوی شیئی است که بین آن دو تفاوت بسیار است. لذا

الحسن و سنن الأدب.» «معروف در شریعت اسلام آنست که مردم با فطرت سلیم و ذوق مکتسب از حیات اجتماعی متداول آن را می شناسند. در واقع معروف هر فعلی است که خوبی آن به وسیله‌ی عقل، شرع یا عرف مورد تأیید و امضای شرع شناخته شده باشد و اصطلاحاً به کار نیک مطابق با فطرت اطلاق می شود.» (طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص: 23)

1. مانند: «وَيَدْخُلُهُمُ الْجَنَّةُ عَرَفَها لَهُمْ» یعنی: «و خداوند آنها را وارد بهشتی می کند که آن را به ایشان می شناساند.» (سوره‌ی محمد، آیه: 6)

2. مانند: «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» یعنی: «شما را به صورت گروه گروه و قبیله قبیله قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید.» (سوره‌ی حجرات، آیه: 13)

3. مثل: «فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ» یعنی: «آنها به گناهشان اعتراف کردند.» (سوره‌ی ملک، آیه: 11)

4. «المعرفة و العرفان: إدراك الشيء بتفكر و تدبیر لأثره، و هو أخص من العلم، و يضاده الإنكار، و يقال: فلان يعرف الله و لا يقال: يعلم الله متعدياً إلى مفعول واحد، لما كان معرفة البشر لله هي بتدبیر آثاره دون إدراك ذاته، و يقال: الله يعلم كذا، و لا يقال: يعرف كذا» (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص: 560)

بکارگیری برخی عناوین از جمله «معرفت حسی» به جای علم و «ادراک حسی» در واقع مسامحه در تعبیر است.

ما برای تبیین امکان و حدود «شناخت خدا» که در این تحقیق در پی آن هستیم، از واژه‌های مرادف آن مانند معرفت الله و ... نیز، استفاده می‌کنیم.